

# مصاحبه با آقای دکتر موسی نجفی استاد دانشگاه در خصوص سالگرد کودتای ۲۸ مرداد و مساله نفت



## ماهیت نهضت نفت شباهتها و تفاوتهای آن با نهضتهای بزرگ ملت ایران چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

در مورد تحولات سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ که بیش از یک دهه از تاریخ ایران را در برمی گیرد ما می توانیم به حرکت ملی شدن صنعت نفت و سپس کودتای ۲۸ مرداد اشاره کنیم و در این رابطه سه عنوان و سه مقطع را در نظر بگیریم، زمینه ها، ماهیت و آسیب شناسی. در مورد نهضت نفت و حرکت و قیام ملی شدن صنعت نفت ما اگر بخواهیم ماهیت این نهضت را در نظر بگیریم باید آن را با چهار حرکت مشابه خودش در طول سده اخیر مقایسه کنیم. یکی قیام تحریم تنباکو، دیگر نهضت مشروطیت و سوم قیام پانزدهم خرداد و پانزده سال بعد از آن انقلاب اسلامی ایران.

قیام پانزده خرداد زمینه ساز انقلاب اسلامی است لذا نهضت ملی شدن صنعت نفت بین این چهار حرکت در حقیقت بین دو حرکت بزرگ یعنی نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی واقع شده از نظر ماهیت به نظر می رسد نهضت ملی شدن صنعت نفت از نظر اندیشه سیاسی و بحثهای جدید نظام سازی چیزی بیشتر و فراتر از مشروطیت ندارد و بنابراین، نهایت برد نهضت مشروطیت را ما می توانیم در نهضت ملی شدن نفت ببینیم.

از نظر ماهیت باید دقت کنیم به اینکه این حرکت بین این چهار نهضت قرار می گیرد و در حقیقت، پیش از آنکه بخواهیم به بررسی ماهیت آن پرداخته و یا آنکه آن را یک حرکت ابتدا به ساکن در نهضت بیداری به شمار آوریم؛ باید بپذیریم که یک حرکتی است که بعد از رفتن و فرار دیکتاتوری رضاشاه پهلوی صورت گرفته و در واقع یک انرژی زیادی از ملت آزاد شده است. اگر بخواهیم با دوران فعلی مقایسه کنیم می توانیم با رفتن و کنار گذاشته شدن صدام حسین رئیس حکومت عراق مقایسه کنیم و آمدن نیروهای خارجی به آن کشور که یک دیکتاتور و یک آدم قلدر زورگو رفت و از رفتنش مردم خوشحال هستند هم در عراق در وضع فعلی هم در ایران شصت و دو سال قبل. مردم از رفتن آن قلدر و آن حاکم مستبد خوشحال بودند. از طرف دیگر نیروهای خارجی آمدند به ایران در آن زمان متفقین و در این زمان هم آمریکا و انگلیس در عراق، خود این یک استبدادستیزی در ابتدا ایجاد می کند به دنبال آن یک حضور خارجی و استعماری. پس در اینجا می توان گفت صورت مسئله حرکت، نفت است و بیداری ملی یعنی این بیداری ملی بیش از اینکه یک اثر بیدارگرایانه در نهضت ملی و احیای دینی و ملی باشد شروعش در اثر یک آزاد شدن و آزادسازی انرژی و توان ملی است بعد از یک دوره اختناق و سرکوب.

حرکت ملی شدن صنعت نفت ماهیت خودش را براساس زمینه های نهضت مشروطیت ایران قرار داد و براساس آن حرکت کرد. یعنی یک نوع مردم گرایی یا مردم بینی، و به تعبیر امروزی

فزون خواهی و سلطه گری غربی هست و تفکر غربی را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهند به خصوص انقلاب اسلامی. اما در نهضت نفت با این توجه که قالب، قالب مشروطه خواهی است اینجا کمتر توانستند به یک درک ملی و خودآگاهی تاریخی بالایی نسبت به مغرب زمین به عنوان پشتوانه استعمار غرب دست پیدا کنند.

ما می دانیم که تحولات صحنه بین الملل هم بعد از جنگ جهانی دوم یک نظام دو قطبی جدیدی را بر عالم حاکم کرد که یک طرفش نیروی کمونیستی بودند به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سابق. و یک طرف هم نیروهای تفکر لیبرال بود به رهبری آمریکا و حتی انگلستان کم کم داشت از صحنه سیاسی بین الملل حذف می شد و جای خودش را به آمریکا می داد. این تحولات پیچیده استعماری کمتر مورد تجزیه و تحلیل دقیق رهبران و نخبگان نهضت نفت قرار گرفت.

این عدم تحلیل نسبت به برقرار کردن رابطه بین هویت ملی و خودآگاهی تاریخی با استعمار غرب و استعمار خارجی خودش زمینه ساز می شد برای اینکه نهضت از اصالت و هویت خالی بشود و خالی شدن آن همانا و کنار رفتن توده های مردم همان، آن شور و شوق اولیه و احساسات مذهبی مردم هم کم کم کنار رفت.

اختلاف رهبران و بعد نداشتن یک تفکر منسجم و طرح درازمدت هم به مسئله اضافه شد و همه این مسائل در یک چهارراه به هم رسید که آن کودتای ۲۸ مرداد است که به این دوره دوازده سال تاریخ ایران پایان داد. وقتی که یک نهضت را ما نهضت اصلاحی می خوانیم اگر طرح و برنامه درازمدت و استراتژیک نداشته باشد، این خودش به آینده نهضت ضربه می زند. ملی شدن صنعت نفت، یک نهضت مستقل است و اینکه ملت ایران و یا آن نظام و یا حرکت سیاسی به این سمت میل می کند که منافع ملی را از دست خارجی بگیرد و در دست ملت قرار بدهد، ابتدا به ساکن مثبت است. اما اینکه این بشود آمل و نهایت اهداف یک حرکت سیاسی، این خودش یک ضربه ای می شود که به ملی شدن نفت وارد شد.

نهضت برای ادامه حرکت نیاز به اندیشه و تئوری داشت که در این مرحله اختلاف دیدگاه بین رهبران بروز و ظهور می کرد. البته در مرحله اول نیز ما یک دوگانگی در بین رهبران مشاهده می کنیم عده ای درصد یک مبارزه گسترده ضد استعماری و ضد صهیونیستی و نهایتاً برپایی حکومتی اسلامی هستند و برخی فقط به دنبال اجرای ملی کردن نفت در چارچوب حفظ شرایط داخلی و مناسبات بین المللی. ماهیت نهضت همانطور که گفتیم آخرین تیر ترکش مشروطیت ایران بود که می خواست بدون اختناق و فشار یک قلدر و یک آدم دیکتاتور، اهداف خودش را پیاده کند و آن هم نه در قالب یک بیدارگری اسلامی شیعی بلکه در قالب یک عرفی سازی حرکت ملی و می بینیم که این خواسته، علی رغم موفقیت های اولیه نمی تواند به دستاوردهای طرحی جدی برای آینده مطرح نکرده لهدا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ما می بینیم خود این دوره دوازده ساله و نهضت نفت باز بازتاب جدی برای تاریخ ایران ندارد و حرکت بعدی تاریخ ایران حرکت پانزده خرداد است که یک دهه بعد انجام می شود و اصولاً از حرکت های گذشته جداست و یک ملت جدیدی را یک ادبیات جدیدی را به مرحله ظهور می آورد که ریشه در حرکت نفت ندارد. یعنی به نظر من ناکامی نهضت نفت نشان داد که این نوع حرکت و این نوع مبارزه و این نوع ادبیات دیگر کارایی ندارد. این درک و آگاهی را ما می بینیم امام به خوبی از حرکت نفت تجربه گرفته و با یک ادبیات جدیدی از نقش مردم و مذهب و نگاه جدید نسبت به بیگانگان و استعمار خارجی حرکت بعدی خودش را یک دهه بعد آغاز می کند.

مردمسالاری، مرکز نقل حرکت مشروطیت می باشد که ادامه آن را در نهضت نفت می بینیم. و بستر تمامی این جریان، مجلس شورای ملی و مجلس قانونگذاری بود و در این مقطع شاه باید سلطنت می کرد بر این اساس نه حکومت. با فرار رضاخان پهلوی، سلطنت محمدرضا آغاز می شود که البته فاقد وجهت ملی بود و از این رو پشتوانه ای نداشته طبعاً این فضای خالی و خلاء سیاسی را مجلس پر کرد منتهی نکته ای که پیش آمد مجلس درست است که تبلور اراده ملی است ولی به خاطر اینکه مردم حدود دو دهه تحت فشار و اختناق رضاشاه بودند به خصوص سرکوبی که رضاشاه پهلوی از نیروهای مذهبی و تفکرات مذهبی و حوزه های دینی کرد. لهدا حرکت سالهای ۲۰ تا ۳۲ ابتدا به ساکن کمتر رنگ دینی به خودش گرفت البته با فرار رضاشاه مردم فرصت پیدا کردند احساسات و عواطف دینی خودشان را به خصوص در قبال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بروز بدهند و مدتها بود مردم از روضه خوانی و تظاهرات و مسائل مذهبی محروم بودند این خودش یک شور و شغف ملی و یک فضای مذهبی در ابتدا ایجاد کرد. اما اینکه در صحنه قدرت سیاسی بخواهند دخالت کنند! یعنی کل توده های مردم نتوانستند به صورت تشکل دینی منسجمی، ابتدا به ساکن مجال بروز پیدا کنند به خصوص که ایران توسط قوای اشغالگر به تصرف درآمده بود و بیشتر، تفکرات کمونیستی و غربی و عوامل آنها مجال داشتند خودشان را نشان می دادند. اینها وارد مجلس شدند یعنی قاعده هرم، و مردم ابتدا از دستیابی به قدرت محروم شدند و بیشتر احزاب سیاسی بودند که وارد مجلس شدند و اینها هم با همدیگر نمی ساختند.

و از این رو، مشاهده می کنیم که در مدت کمتر از یک دهه چندین کابینه عوض شد، کابینه هایی که عمر بعضی هایشان کمتر از یک سال بود این بی ثباتی اوضاع سیاسی را نشان می دهد. این نشان می دهد که قالب مشروطیت و ادبیات صدر مشروطیت که در دوره رضاشاه حدود بیست سال سرکوب شده بود دوباره در عصر نهضت ملی شدن بروز کرد. منتهی نکته ای که درباره مشروطیت باید دقت بکنیم این است که مشروطیت یک نهضت ضد استبدادی و قانونگرایانه و مردمسالارانه است. خوب، طبیعی است که از این جنبه ها، نهضت نفت الگو برداری کرد، در سالهای ۲۰ تا ۳۲ کمتر استبداد بود. مشکل در این مقطع بیش از اینکه استبداد باشد استعمار است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ما تشکیل ساواک و استبداد بعدی را داریم و به تعبیر امام، محمدرضا شاه بذل قبل، بعد از کودتا به رضاشاه تبدیل شد. لذا قالب مشروطیت یک قالب ضد استبدادی است بیشتر تا ضد استعماری، همین قالب نرم رایج و قالب رایج و ادبیات رایج نهضت نفت شد در حالی که مسئله اصلی کشور دیکتاتور و اختناق نبود بیشتر استعمار خارجی بود استعمار روس، استعمار انگلیسی، نفوذ کمونیستها، نفوذ اندیشه های غربی. برای مقابله با این فضا، دین خودش برای یک نهضت بیداری بسیار چیز مهمی است که بتواند رابطه خودش را با غرب تنظیم کند، ما این را در قیام تحریم تنباکو و در مشروطیت در پانزده خرداد و در انقلاب اسلامی می بینیم که اینها از یک طرف به هویت ملی ایران نظر دارند و از یک طرف به هر حال می خواهند استعمار را بشناسند غیر از اینکه با استعمار مقابله کنند ماهیت استعمار که همان خوی

